

عنوان مقاله:

تحلیل امکان تقرب هنر به مفاهیم دینی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره 22، شماره 74 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسنده:

سید محمدحسین نواب - دکتری تخصصی فلسفه هنر و استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب / نشانی: قم، پردیسان، مقابل مسجد امام
صادق(ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب / نامبر: ۳۲۸۰۲۶۱۰ / Email: Snavab@gmail.com

خلاصه مقاله:

هدف: هنر به عنوان زبان قدسی و آسمانی همیشه در کنار دین حضور داشته و بار انتقال مفاهیم دینی را بر دوش کشیده است. در دوران مدرن میان دین و هنر فاصله افتاده است. در این پژوهش به دنبال این بودیم که کدام هنر توان انتقال مفاهیم دینی را دارد و کدام دسته از هنرها چنین توانایی ندارند. روش: نوشتار حاضر در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و در استنتاج از روش توصیفی تحلیلی بهره برده است. یافته‌ها: با ملاک صورت (فرم) می‌توان نسبت هنر با دین را تعریف و هنر را به دو دسته هنرهای مقرب و هنرهای مبعده تقسیم بندی کرد. نتیجه گیری: هنرهای مقرب هنرهایی اند که امکان تقرب هنر به مفاهیم دینی را فراهم می‌آورند؛ با این ویژگی که چندان به جزئیات نمی‌پردازند و با کمک نمادها موضوع اثر را به نمایش می‌گذارند. مخاطب در این دست هنرها، انسانی منفعل نیست؛ بلکه با کمک اوست که اثر هنری تکمیل میشود. هنرهای اسلامی بیشتر از نماد استفاده می‌کنند و به واسطه نماد، منظور خود را به مخاطب منتقل می‌کنند و آسیبی به مفهوم دینی اثر وارد نمی‌کنند. هنر مقرب می‌تواند مفاهیم دینی را با حفظ چارچوب آن به مخاطب منتقل کند؛ اما هنرهای مبعده، هنرهایی اند که تلاش می‌کنند همه جزئیات را به تصویر بکشند و کوچکترین نکته‌ای را فرو نمی‌گذارند؛ در حالیکه تلاش برای نمایش جزئیات در امور غیر محسوس، موفقیت‌آمیز نیست؛ زیرا از یکسو اصرار دارد تصویر همراه با جزئیات امر غیر محسوس را نمایش دهد و از سوی دیگر، تصویری از امر غیر محسوس نزد خود ندارد. در نتیجه، تصویر تحریف‌شده و جعلی از امور غیر محسوس دینی ارائه می‌دهد. روشن است که این دست هنرها نمی‌توانند واسط میان مخاطب و پیام دینی باشند.

کلمات کلیدی:

انتقال مفاهیم دینی، هنر دینی، سینمای دینی، هنر سمبولیک، هنر مقرب، هنر مبعده

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1375305>

